



quarterly Journal Of Gender And Family Studies

Reading the Prerequisites for Enhancing the Position of the Family in Urban Policymaking Systems

Amir Fathi Farzaneh, Ph.D. Graduate in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Article Info

Extended Abstract

Date received: 10/02/1403
Date confirmed: 25/01/1404

Introduction

The city, as a complex and dynamic living ecosystem, has long played a significant role in shaping the individual and collective identities of humans. This socio-spatial institution, beyond meeting material and physical needs, provides a context for cultural, social, and economic interactions, thereby profoundly influencing lifestyles and family relationships. However, amidst rapid and extensive social, economic, and cultural transformations—particularly in the modern era of globalization—the focus of urban policymakers and planners has increasingly shifted toward macro and infrastructural issues, leading to a decline in attention to the fundamental institution of the family in policymaking processes. The family, as the most basic social and cultural unit of society, plays a central role in stabilizing identity, transmitting values, and providing psychological and social support to its members. Yet, due to urbanization trends and structural changes, it now faces numerous challenges, including diminished family cohesion, economic pressures, a lack of suitable spaces for family interactions, and the inadequacy of urban policies in addressing the diverse and evolving needs of families.

City,
Family-Friendly,
Public Benefit,
Policymaking,
Causal Layered Analysis.

Methodology

This study, within the framework of the critical realist paradigm and utilizing Causal Layered Analysis (CLA), seeks to examine the prerequisites and contexts for enhancing the position of the family in urban policymaking and planning in Iran. Data were collected through in-depth interviews with experts in family policy, focus groups comprising urban specialists and activists, and analysis of relevant official and strategic documents, in order to provide a multi-level and multi-dimensional analysis of the concept of the family and its position in urban policymaking systems.

Findings

The findings indicate that despite explicit recognition of the valued position of the family in national high-level and macro documents, at the objective and operational levels of urban policies, practical attention to the diverse and changing needs of families in physical, service-related, and cultural domains has been seriously neglected. Modern urban trends, such as population decentralization, increased rural-to-urban migration, shifts in family structures toward nuclear families, and the diminishing role of traditional family functions, have reduced the quality of family life in contemporary cities. Meanwhile, urban spaces are often not designed to accommodate the needs of extended or intergenerational families, and the lack of specific policymaking in this area has led to dissatisfaction and decreased family efficacy. The research emphasizes the necessity of transforming the concept of "Family-centered" from a broad and abstract slogan into an operational and effective strategy in urban policymaking. To achieve this, two fundamental points are proposed: first, aligning with and leveraging national macro social, cultural, and economic policies in a manner that aims to strengthen the role of the family in the city; second, formulating and implementing implicit and targeted policies at various levels of urban management, explicitly aimed at improving the quality of family life in physical (e.g., designing family-friendly residential and public spaces), service-related (such as access to educational, health, and welfare services), and cultural (opportunities for interaction and strengthening family social bonds) domains.

Conclusion

Developing and expanding specialized vocabulary and concepts related to the needs of families as primary consumers of urban spaces will be key to creating responsive spatial structures and more precise policymaking. A family-friendly city is not solely reliant on the will of governmental institutions and urban planners, it also requires a shift in societal and cultural attitudes and values regarding the position of the family in urban space. Otherwise, families will remain marginalized in decision-making and policymaking processes, posing a serious threat to the social, cultural, and even economic sustainability of contemporary cities. Ultimately, this study underscores that preserving and strengthening the position of the family in modern cities requires an interdisciplinary, balanced, and realistic approach. Such an approach must consider Iran's specific cultural and social conditions while utilizing modern policymaking tools to transform cities into humane, diverse, and sustainable ecosystems where families can fully fulfill their roles and improve their quality of life..

خوانش پیش‌شرط‌های ارتقای جایگاه خانواده در نظام سیاست‌گذاری شهری

امیر فتحی فرزانه

دکترای شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

<https://orcid.org/0000-0002-1086-7260>؛ amir.fathi.farzaneh@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

خانواده به عنوان اساسی‌ترین واحد زیستی به صورت‌های گوناگون در هر جامعه یافت می‌شود. تغییر کارکرد خانواده از حالت یک واحد تولیدی و مصرفی خودکفا در جوامع سنتی به یک واحد مصرفی مطلق موجب انتقال ساحت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن به نهادهای دیگر جامعه شده است. شرط تحقق شهر دوست‌دار خانواده، تدوین یک چارچوب جامع برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری است که نیازهای ویژه خانواده‌ها را در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناختی، محیطی و فرهنگی در نظر می‌گیرد. پژوهش حاضر با هدف کاوش پیش‌شرط‌های ارتقای جایگاه خانواده در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری، با بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌ای علی به خوانش این امکان‌ها می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در اسناد و قوانین بالادستی، به اندازه کافی بر مفهوم شهر دوست‌دار خانواده در سطوح استعاری و گفتمانی تأکید شده است؛ اما در سطوح علل کلان راهبردی و عینی بر این مفهوم تأکید نشده است. ازاین‌رو در راستای شکوفا شدن شهر دوست‌دار خانواده، پیشنهاد می‌شود خانواده‌محوری از یک مفهوم عام در اسناد بالادستی به یک راهبرد خاص در نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری ارتقا یابد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

شهر،
دوست‌دار خانواده،
منفعت عمومی،
سیاست‌گذاری،
تحلیل لایه‌ای علی.

مقدمه

شهر در طول تاریخ به عنوان یک پدیده جمعی، همواره به مثابه راه‌حلی خردمندانه برای برآورده کردن نیازهای انسانی مطرح بوده است؛ اما با گذشت زمان، این راه‌حل انسانی با چالش‌های متعدد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی روبه‌رو شده است. شهرها که از دیرباز تجلی بالاترین مرتبه زیستگاه بشری و نمود موفق شهروندسازی و تمدن‌سازی بوده‌اند، امروزه از این توصیف فاصله گرفته‌اند (صرافی، ۱۳۹۷: ۵۸). رویکردهای اتخاذی فناورانه و ترقی‌خواهانه در ترکیب با سرمایه‌داری، آن‌هم بدترین انواع آن یعنی سرمایه‌گذاری سوداگرانه روی قیمت زمین و ساختمان از لحاظ مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی، شهر را در موقعیتی کاملاً ناپایدار قرار داده است (فکوهی، ۱۳۹۹: ۱۸۰). شهری که بنیان‌پیدایش آن برای مردم و در خدمت ساکنانش بوده، به شهری تبدیل شده که خارج از حدود اختیار شهروندانش در معرض سوداگری قرار گرفته است. فرایندهای متأخر شهری شدن^۱ در رهگذر الگوهای مجلل‌ایمانی‌سازی^۲ و دیزنی‌سازی^۳ به تدریج سرمایه‌های اجتماعی، تاریخی و فرهنگی شهر معاصر را تضعیف کرده (برنر،^۴ ۲۰۱۹م: ۴۹) و این تغییرات نه تنها کیفیت زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده؛ بلکه باعث تشدید نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی نیز شده است. بدین ترتیب بنیان‌های شهر و شهرانگی^۵ در اوضاع امروز تا حدودی به چالش کشیده شده است.

هر قانون اساسی یک اصل مشترک دارد و آن برابری همه در پیشگاه قانون است (ر.ک: ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۶ ۱۹۴۸م). این اصل بنیادین می‌تواند مبنای بهره‌مندی مطلوب و نسبتاً عادلانه از امکانات عمومی در یک جامعه شهری قلمداد شود؛ زیرا شهر متعلق به تمام افرادی است که در آن زندگی می‌کنند. درواقع این برابری نه تنها دارای جنبه قانونی است؛ بلکه ابعاد اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری نیز دارد که بر ساختار و کیفیت زندگی شهری تأثیر می‌گذارد (رفعیان و الوندی‌پور، ۱۳۹۹: ۳۰). موتوریزه شدن زندگی شهری^۸ موجب کم‌توجهی به

1. Urbanization.
2. Gentrification.
3. Disneyfication.
4. Brenner.
5. Urbanity.
6. UN Universal Declaration of Human Rights.

۷. اصل مساوات و برابری همگان در برابر قانون: این اصل به‌طور مستمر در نظام‌های حقوقی مدرن گنجانده شده و جزو اصول اساسی بسیاری از نظام‌های قضایی و دموکراتیک بوده که به دنبال تضمین عدالت و جلوگیری از هرگونه تبعیض است.

8. Motorization of Urban Life.

اولویت‌های اجتماعی و فرهنگی شده است. امروزه در کلان‌شهرهایی مانند تهران، ضرب‌آهنگ زندگی شهروندی به گونه‌ای فزاینده تند شده و این شتاب می‌تواند به فشارهای روانی و اجتماعی منجر شود که شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فتحی فرزانه و معصوم‌زاده، ۲۰۲۳م: ۱۹۱۵). در این میان گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه (از قبیل معلولان، سالمندان، کودکان و زنان) بیش از دیگران زیانکار شده‌اند و دسترسی به منابع و خدمات اولیه مانند مسکن، بهداشت، آموزش و فراغت برای آنها دشوارتر شده است. نیازهای جمعی مبتنی بر اصل منفعت عمومی در سامان‌دهی فضاهای شهری، اغلب نادیده گرفته می‌شوند. ادامه این روند موجب تشدید ناپایداری در اوضاع شهری می‌شود؛ از این رو ضرورت دارد رویکردی ملایم‌تر و مردم‌سالارتر در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری در پیش گرفته شود. خانواده‌محوری می‌تواند نقشی کلیدی در این زمینه ایفا کند؛ زیرا توجه به نیازها و اولویت‌های خانواده‌ها در طراحی فضاهای شهری می‌تواند کیفیت زندگی شهری را بهبود بخشد.

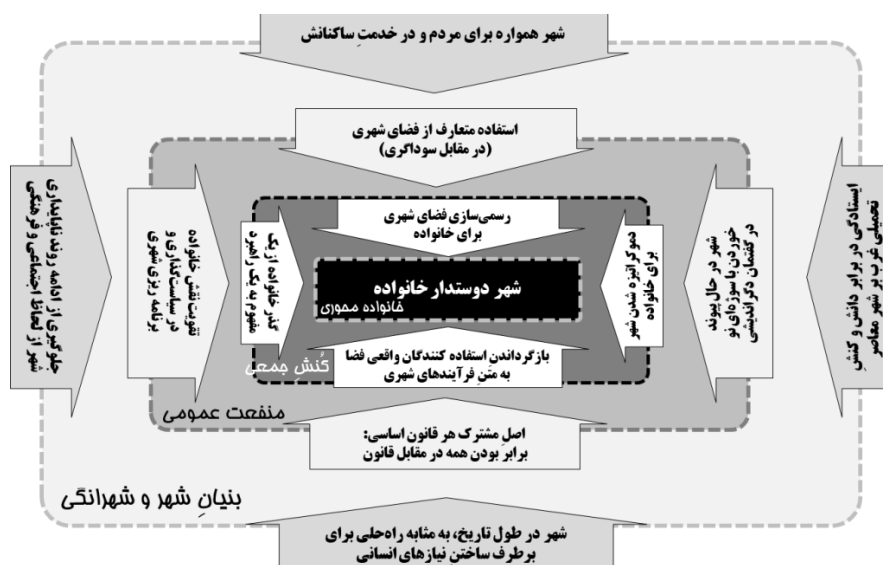
یکی از چالش‌های اساسی در شهرهای معاصر نادیده گرفتن نیازهای خانواده در فرایندهای شهری شدن است. خانواده در جایگاه بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و فرهنگی، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به هویت افراد و جامعه ایفا می‌کند. با این حال شهرگرایی مدرن به واسطه تغییر الگوهای زندگی، افزایش مشغله‌ها و کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی، چالش‌های جدیدی را برای نهاد خانواده پدید آورده است. تغییر کارکرد خانواده از حالت یک واحد تولیدی و مصرفی خودکفا در جوامع سنتی به یک واحد مصرفی مطلق، موجب انتقال ساحت تولیدی آن به نهادهای اجتماعی دیگر شده است. این تغییر نه تنها ساختار خانواده را تحت تأثیر قرار داده؛ بلکه نیازهای جدیدی را نیز در عرصه شهری ایجاد کرده است. تغییر وضع کنونی و شکل‌دهی به گفتمانی جدید برای تقویت نقش خانواده در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی شهری، امری است که از ضروریات زمانه به نظر می‌رسد؛ زیرا خانواده به عنوان یک واحد زیستی و مصرف‌کننده فضای شهری حق دارد از زمان فراغت خود به شکل مطلوب استفاده کند و حداکثر انتخاب را این زمینه داشته باشد. بدین ترتیب شهر در حال پیوند خوردن با سوزهای نو در گفتمان دگراندیشی است و رویکرد «شهر دوست‌دار خانواده» به عنوان یک نگاه بدیل، سودای دموکراتیزه شدن فراغت و خانواده در عرصه شهری را در سر دارد. این به معنای فراهم آوردن امکاناتی است که به خانواده‌ها اجازه دهد از فضاهای عمومی به گونه‌ای مؤثر بهره بگیرند و با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در حال حاضر یک کورسوی امید برای

شهروندان وجود دارد که ضروری است استفاده‌کنندگان فضا به متن فرایندهای شهری بازگردند و طراحی‌ها مطابق با مقاصد چندگانه اجتماعی فضایی انجام شوند؛ ازاین‌رو رسمی‌سازی فضای شهری برای تقویت خانواده و جلوگیری از تهی‌سازی توانمندی‌های آن در محیط شهری، امری اجتناب‌ناپذیر است.

خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. در تمام دوره‌های تاریخ، خانواده اهمیت داشته و به یکی از موضوعات اساسی تمام فرهنگ‌های بشری تبدیل شده است. هریک از ادیان توحیدی نقش تحکیم خانواده را هم‌خوان با تحکیم اجتماع بیان کرده‌اند. دراین‌میان اسلام که مکتبی انسان‌ساز است، بیشترین توجه را به جایگاه والای خانواده دارد. در دین اسلام، خانواده محبوب‌ترین و استوارترین بنیان نزد خداوند شمرده می‌شود؛ ازاین‌رو همواره بر پاسداری از این نهاد بی‌مانند تأکید شده است. در دوران معاصر، رویکردهای فرهنگی به خانواده در نسبت با زندگی شهری مدرن، مراتبی از تحولات را سپری کرده که به موجب آن، محوریت یافتن خانواده در جامعه سنتی در قیاس با جامعه مدرن معنای دیگری یافته است. امروزه گستره ظرفیت‌های درونی خانواده برای اعضایش به سمت بیرون از خانه نیز بسط یافته و غالباً در عرصه‌های شهری، خانواده‌محوری در خارج از خانه نیز مطرح شده است.

پژوهش حاضر به بررسی رابطه پیچیده و چالش‌برانگیز میان صورت مسئله^۱ شهر و نهاد خانواده می‌پردازد. این نوشتار با دغدغه ایستادگی در برابر دانش و کنش تحمیلی بر شهرهای معاصر و گشودن دریچه‌ای به واقعیت‌های زندگی روزمره‌ای در تلاش است خانواده را به عنوان اصلی‌ترین مخاطب فضا، مبتنی بر استفاده متعارف (در مقابل سوداگری) از فضای شهری تبیین کند. هدف نهایی پژوهش این است که خانواده از یک مفهوم انتزاعی صرف به یک راهبرد بدیل ارتقا یابد و جایگاه آن در نظام سیاست‌گذاری شهری به رسمیت شناخته شود. شکل شماره ۱ به تبیین ضرورت‌های امکانی رسیدن به مفهوم شهر دوست‌دار خانواده مطابق مباحث طرح‌شده در این قسمت، در چهار سطح «بنیان شهر و شهرانگی، منفعت عمومی، کنش جمعی و خانواده‌محوری» پرداخته است. به‌طوری‌که تبیین این سطوح چهارگانه در روند پژوهش، هم‌خوان با ابعاد گوناگون این پیچیدگی‌ها و تمایزها به بحث گذاشته می‌شود.

1. Problematic.



شکل ۱. تبیین چهارسطحی ضرورت‌های امکانی دستیابی به شهر دوست‌دار خانواده

۱. پیشینه پژوهش

با عنایت به نوبودگی رویکرد شهر دوست‌دار خانواده - حداقل در متون نظری و پژوهشی مرتبط با حوزه مطالعات شهری - پژوهش‌های داخلی غالباً مفهوم شهر دوست‌دار خانواده را به شکل غیرمستقیم با تکیه بر دیدگاه‌هایی از قبیل دوست‌دار کودک، دوست‌دار بانوان، دوست‌دار معلول و دوست‌دار سالمند به نگارش درآورده‌اند. طی بررسی به‌عمل‌آمده، در مجموع ۷ مورد پژوهش از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۳ به‌طورمستقیم موضوع شهر دوست‌دار خانواده را در مقیاس‌های گوناگون بررسی کرده‌اند. کاربرست نگاه نقادانه در مرور پیشینه و درک کاستی دانش نظری و چرایی طرح موضوع در دوره‌های گوناگون می‌تواند جایگاه و شأن ورود به موضوع پژوهش را برای مخاطب مشخص کند.

در پژوهشی با عنوان «طراحی محیط‌های معماری دوست‌دار خانواده» (مشایخی و همکاران، ۱۳۸۹) فضاهای عمومی نیمه‌مشفرف مناسب‌ترین قرارگاه رفتاری برای حضور خانواده‌ها معرفی می‌شود. همچنین تجسم خانواده در زندگی متداول شهری غالباً در ساعت‌های بعدازظهر تحقق می‌یابد. پژوهش دیگری با عنوان «بررسی و تحلیل شاخص‌های رضایت‌مندی شهروندان در شهر دوست‌دار خانواده» (براتی فتح‌آبادی، ۱۳۹۳) محله‌های گوناگون شهری را به تناسب بهره‌مندی از شاخص‌های رضایت‌مندی شهر دوست‌دار خانواده بر اساس میزان دسترسی به سرانه‌های خدماتی در سطوح متفاوتی دسته‌بندی می‌کند. پژوهشی با عنوان «ارزیابی شهر پایدار از منظر شهر

دوست‌دار خانواده و بانوان باردار» (فنی، ۱۳۹۸) بر اهمیت نیازسنجی درباره حقوق و آسایش خانواده در طرح‌های ترافیکی، شهرسازی و خدمات شهری و... تأکید می‌کند. در پژوهش دیگری با عنوان «زنان، سبک‌های فراغتی و خانواده در شهر تهران» (علی‌احمدی و یاقوتی، ۱۳۹۸) ضمن دسته‌بندی یازده‌گانه از سبک‌های فراغتی زنان، وضع موجود فراغتی زنان در فضاهای شهری را بسیار وابسته به خانواده می‌داند. در پژوهشی با عنوان «تبیین و تحلیل پایداری فضاهای جمعی و سنجش عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: پارک خانواده شهر مهاباد)» (معروفی و بایزیدی، ۱۳۹۹) به تبیین مؤلفه‌هایی از قبیل آسایش، آرمش و امنیت فیزیکی و روانی کاربران پارک خانواده و ارتباط با آن با چیدمان فضا می‌پردازد.

در پژوهشی با عنوان «تبیین مؤلفه‌های مؤثر در تجربه خرید خانوادگی و معماری مجتمع‌های تجاری دوست‌دار خانواده» (البرزی و دیگران، ۱۴۰۲) با انتخاب تجربه خرید خانوادگی به عنوان مقوله محوری، پیامدهای تجربه خرید خانوادگی در دو حوزه خانواده و مجتمع تجاری در شهر تهران بازگو می‌شود. همچنین مؤلفه‌های مؤثر در معماری مجتمع‌های تجاری دوست‌دار خانواده در بخش شرایط علی و از پیش نیازهای تجربه خرید خانوادگی قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش دیگری با عنوان «شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های اسلامی - ایرانی» (مولایی و دیگران، ۱۴۰۲) نشان می‌دهد تعریف سرانه کاربری‌ها مبتنی بر نظام برنامه‌ریزی شهری غربی در ایران استفاده می‌شود؛ در حالی که «خانوار» یک مفهوم جمعیت‌شناختی است و «خانواده» مفهومی است که ماهیت جامعه‌شناختی دارد؛ بنابراین مدل‌سازی «ابعاد شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های اسلامی - ایرانی» به تغییری نیاز دارد تا نهاد خانواده نیز در آن لحاظ شود. در نهایت جدول شماره ۱ به ارائه مشخصات هریک از پژوهش‌ها پرداخته است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش در ایران

پژوهشگر	سال	پرسش	روش	نتیجه‌گیری
مشایخی و همکاران	۱۳۸۹	«مکان فضاهایی برای حضور خانواده‌ها مناسب‌تر است؟»	تحلیل (آزمون هم‌بستگی) گردآوری داده (پرسش‌نامه) پژوهش توصیفی - تحلیلی	مناسب‌ترین قرارگاه رفتاری برای حضور خانواده‌ها قرارگاه‌های نیمه‌مشرف است؛ زیرا امنیت حاصل از حضور مردم در این فضا را نیز تأمین می‌کنند. خانواده‌ها بیشتر در ساعت‌های بعدازظهر از این فضاها استفاده می‌کنند. درواقع تجسم خانواده در زندگی متداول شهری، فقط در ساعت‌های بعدازظهر تحقق دارد.

براتی فتح آبادی	۱۳۹۳	محلله‌های شهری از نظر شاخص‌های شهر دوست‌دار خانواده چه وضعی دارند؟	پژوهش توصیفی - تحلیلی گردآوری داده (بررسی‌های میدانی) تحلیل داده (آزمون t تک‌نمونه‌ای)	با توجه به ساختار فضایی شهری متنوع و گوناگون، همچنین نارضایتی شهروندان، محله‌های گوناگون شهر از لحاظ دارا بودن میزان شاخص‌های رضایت‌مندی شهر دوست‌دار خانواده با یکدیگر متفاوت هستند.
فنی	۱۳۹۸	آیا فضاهای عمومی منطقه برای حضور و تردد زنان باردار و دارای نوزاد مناسب‌اند؟	پژوهش اکتشافی گردآوری داده، مصاحبه عمیق و باز تحلیل (نرم افزار SPSS)	ضرورت تدوین مطالعات نیازسنجی در زمینه‌هایی همچون تأمین حقوق و آسایش خواننده در طرح‌های ترافیکی، شهرسازی و معماری و خدمات شهری، خدمات بهداشتی و سلامتی و ...
علی احمدی و یاقوتی	۱۳۹۸	اوقات فراغت زنان چگونه است و نقش خانواده در این زمینه چیست؟	پژوهش اکتشافی گردآوری داده (پرسش نامه) تحلیل داده (تحلیل عاملی)	یازده سبک سپری کردن اوقات فراغت بین زنان وجود داشته است که وضع موجود برای فراغت زنان را می‌توان بسیار وابسته به خانواده و نیازمند فاصله‌گیری از فضای خانه و خانواده توصیف کرد؛ زیرا زنان عمدتاً از وضع فراغت خود ناراضی‌اند و بیشتر زمان فراغت خود را با خانواده می‌گذرانند. همچنین از نظر ذائقه فراغتی، تفاوت‌هایی میان نسل‌های گوناگون وجود دارد.

معروفی و بایزیدی	۱۳۹۹	پارک خانواده شهر مهاباد بر اساس مؤلفه‌های پایداری چگونه است؟	تحلیل داده (نرم افزار PLSS) گردآوری داده (پرسش نامه) پژوهش توصیفی - تحلیلی	مؤلفه‌های مربوط به آسایش و تصور دربردارنده مواردی هستند که آسایش، آرامش و امنیت فیزیکی و روانی کاربران پارک خانواده را در پی دارند. مواردی مانند تأمین سازوکار و تجهیزات مرتبط با نشیمنگاه‌ها و ملزومات حفاظتی آن، منظرسازی مناسب و منطبق با بستر مناسب طبیعی فضا، تقویت عوامل مرتبط با تحرک و سیرکولاسیون در فضا، ارتقای عوامل مرتبط با تأمین امنیت در فضا، تقویت میلمان فضا و... معرفی و تشریح شده‌اند
البرزی و همکاران	۱۴۰۲	مجموع‌های تجاری دوست‌دار خانواده چه مؤلفه‌های دارند؟	تحلیل داده (کدگذاری) گردآوری داده (مصاحبه) پژوهش نظریه مبنایی	انجام سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی در راستای افزایش و تقویت قابلیت‌های معماری مجتمع‌های تجاری با رویکرد دوست‌دار خانواده بودن می‌تواند مزایای دوجانبه‌ای را برای ادامه حیات مجتمع‌های تجاری و سلامت و شادابی جامعه که در گرو سلامتی کوچک‌ترین هسته آن یعنی خانواده است، در بر داشته باشد

مولایی و همکاران	۱۴۰۲	مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های ایرانی - اسلامی کدام‌اند؟	پژوهش‌های نوآوری داده (اسنادی - کتابخانه‌ای) تحلیل داده (تحلیل محتوای کیفی)	راهبردهای پیشنهادی در تناسب با ابعاد شهرسازی محله‌های اسلامی - ایرانی بدین شرح است: نزدیکی محل اشتغال و زندگی؛ آموزش‌های شغلی کودکان در محله با پارک مشاغل کودک و مانند آن؛ عملکردهای محله مناسب رشد شخصیتی، دینی و اخلاقی خانواده به‌ویژه کودکان؛ فضای مناسب فراغت کوتاه‌مدت در خانه؛ فضاهای مناسب گذران اوقات فراغت خانواده در محله؛ محیط مناسب ورزش در خانه؛ فضای مناسب ورزش خانواده در محله؛ محیط آرامش‌بخش خانه؛ محیط خانه مناسب انس و الفت خانواده؛ فضای مناسب خلوت و تفکر در خانه و موارد مانند آن.
------------------	------	--	---	--

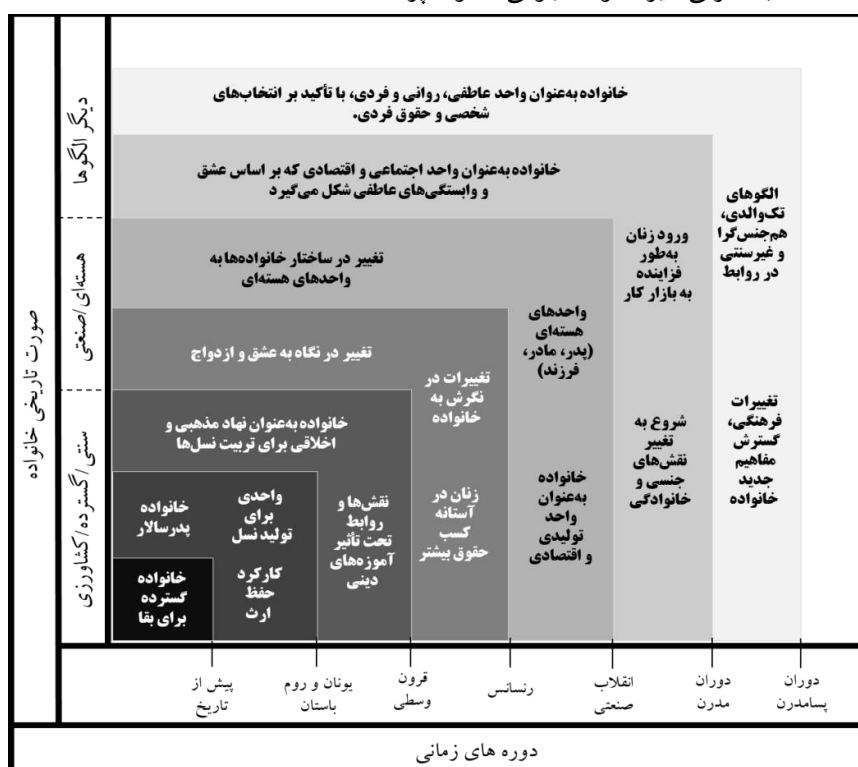
به نظر می‌رسد پژوهش‌های صورت‌گرفته در راستای بازکاوی دو مفهوم خانواده و شهر اغلب بر شناسایی چالش‌ها و کاستی‌های فضاهای شهری در نحوه پاسخ‌گویی به نیازهای همه اعضای خانواده تأکید داشته‌اند. در این زمینه، غلبه با آن دسته از پژوهش‌هایی بوده که خوانشی تک‌صدایی از خانواده با محوریت یکی از اعضای آن (کودک، سالمند و زن) داشته‌اند. بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته به تسلط رویکردهای غربی در توسعه فضاهای شهری به عنوان یکی از موانع در تحقق خانواده‌محوری اشاره داشته‌اند. با وجود این هیچ‌یک از پژوهش‌های بررسی‌شده به بیان صورت‌بندی‌های ممکن از تبیین مفهوم و رویکرد خانواده در هنجارمندی‌های فضایی‌شده و مستقر در شهر یا فرایندهای شهری شدن یا برنامه‌ریزی شهری با این نیت اشاره نداشته‌اند. در حوزه مطالعات شهری به‌طورعام و رشته شهرسازی به‌طورخاص، پژوهشی که مبتنی بر کاوش و خوانش جایگاه خانواده در سطوح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری باشد، تاکنون نسبتاً مغفول مانده است. با نگاهی عمیق‌تر به سطوح فرایندی و محتوایی مفهوم خانواده در مطالعات یادشده، رهیافتی نو در زمینه تقویت راهبرد خانواده‌محور در پژوهش شهرسازی پدیدار می‌شود؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است: «چه پیش‌شرط‌هایی برای ارتقای جایگاه خانواده در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری ایران وجود دارد؟»

۲. چارچوب نظری

هر نگاه نظریه‌ای به مقوله خانواده در وهله نخست نیازمند بررسی مفهوم «خانواده» و «سیر تحول معنایی خانواده» در دوره‌های گوناگون است. تحول معنایی مفهوم خانواده در طول تاریخ اغلب تحت تأثیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع گوناگون بوده است. در دوران باستان، خانواده یک واحد اقتصادی و اجتماعی نسبتاً خودگردان با ساختاری گسترده شناخته می‌شد که برای بقای خود تلاش می‌کرد (گودی،^۱ ۱۹۸۵م: ۱۰). در امپراتوری‌های یونان و روم، مفهوم خانواده در قالب پدرسالاری سازمان‌دهی می‌شد و نقش سرپرستی و کنترل امور خانوادگی به دست مردان بود (برادلی،^۲ ۱۹۸۷م: ۳۸). در قرون وسطی تحت تأثیر نهاد کلیسا، خانواده یک نهاد مذهبی و اخلاقی شناخته می‌شد که برای پرورش نسل‌های صالح و رعایت اصول دینی هدفمند بود (استون،^۳ ۱۹۷۷م: ۷۷). در دوران رنسانس، زنان به مراتب بالایی از مطالبه‌گری در خانواده رسیدند و با آغاز انقلاب صنعتی، ساختار خانواده تغییر کرد و خانواده هسته‌ای مدل غالب مدرن معرفی شد که در آن، مردان و زنان به عنوان تأمین‌کنندگان در تولید، شریک شدند (بالس و پارسونز،^۴ ۱۹۵۵م: ۱۹). در قرن بیستم، تحولات اجتماعی همچون جنبش‌های فمینیستی، حقوق بشر و تغییرات در حقوق زنان باعث تغییرات اساسی در ساختار خانواده‌ها شد؛ به گونه‌ای که مفهوم خانواده از یک نهاد صرفاً اقتصادی و اجتماعی به مجموعه‌ای از روابط پیچیده‌تر و متنوع‌تر تغییر یافت (گیدنز،^۵ ۲۰۰۶م: ۲۰۵). در این دوره با گسترش رویکردهای پسامدرن، خانواده‌های تک‌والد، هم‌جنس‌گرا و حتی خانواده‌های غیررسمی نیز به عنوان شکل‌هایی متفاوت از روابط خانوادگی پذیرفته شدند و انعطاف‌پذیری بیشتری پیدا کرد (بک و بک‌گرنشیم،^۶ ۲۰۰۲م: ۹۰). این تحولات به‌ویژه با افزایش جهانی شدن و تغییرات فرهنگی به اوج رسید و در نهایت مفهوم خانواده به یک واحد از روابط عاطفی و اجتماعی پیچیده تبدیل شد که بازتاب‌دهنده تغییرات در هویت‌های فردی و اجتماعی است (اسمارت،^۷ ۲۰۰۷م: ۳۹). این تغییرات افزون بر تحولات فرهنگی، ناشی از پیشرفت‌های فناورانه و تغییرات اقتصادی در جوامع صنعتی مدرن و پسامدرن امروزی است؛

1. Goody.
2. Bradley.
3. Stone.
4. Bales, R. B & Parsons.
5. Giddens.
6. Beck & Beck-Gernsheim.
7. Smart.

جوامعی که به‌ویژه در دنیای غرب، در واکنش به نیازهای فردی و اجتماعی، مدل‌های جدیدی از خانواده را پذیرفته‌اند و به گونه‌ای فزاینده به تنوع در هویت‌های خانوادگی و ساختارهای آن احترام می‌گذارند. این روند در جوامع غیرغربی نیز به شکل متفاوتی در حال ظهور است و ممکن است به دلیل تحولات اجتماعی و اقتصادی متفاوت، خانواده‌ها به شکل‌های گوناگون خود بازآفرینی شوند. شکل شماره ۲ به معرفی سیر تحول مفهومی خانواده پرداخته است.



شکل ۲. سیر تحول مفهومی خانواده

در شهر معاصر، خانواده‌ها با فرهنگ‌های گوناگون در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند؛ زیرا شهر اساساً پدیده‌ای همگن‌ساز است که درون خود عناصر ناهمگن را می‌پذیرد. همین رویداد به پیدایش مسئله شهری با جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی منجر می‌شود (تاج‌بخش، ۱۳۹۳: ۹۱). رویکرد فرهنگی به خانواده و شهر بر جایگاه تنوع فرهنگی خانواده‌ها و ایجاد فضاهای سازگار با نیازهای جمعی فرهنگی آنها تأکید دارد. سبک زندگی خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله فرهنگ، اقتصاد و رسانه‌ها قرار دارد. خانواده‌ها می‌توانند نقش مهمی در مشارکت اجتماعی و توسعه شهر ایفا کنند. در اسلام، خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و رکن

اصلی جامعه شناخته می‌شود. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر اهمیت تشکیل خانواده، حفظ و تحکیم آن و تربیت فرزندان صالح تأکید فراوانی دارند.

در پس مواجهه ایرانیان با مدرنیته به‌ویژه از دوران مشروطه به بعد، جامعه ایرانی تحولات بسیاری را تجربه کرده و نهاد خانواده به‌رغم اهمیت بسیار زیاد آن، در بازخوانی خود با دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه با دگردیسی و چالش‌هایی روبه‌رو شده است. تغییرات اجتماعی و اقتصادی - به‌ویژه در نتیجه شهرنشینی و گسترش سطح آگاهی جامعه - به کوچک‌تر شدن خانواده‌ها و تضعیف ساختارهای سنتی منجر شده است (قانع‌راد، ۱۳۹۶: ۲۳۵). در دهه‌های اخیر، روند کاهش ازدواج، افزایش سن ازدواج، کاهش بُعد خانوار، کاهش ارتباطات خانوادگی، تغییر در نگرش به ازدواج و فرزندآوری، رواج تک‌زیستی، افزایش طلاق، افزایش خانوارهای زن‌سرپرست، تضعیف قدرت مرکزی خانواده و... همگی نشان از تغییرات ژرف در مناسبات خانوادگی دارد (چیت‌ساز، ۱۴۰۲: ۸۸). به نظر می‌رسد چالش اصلی در ساختار و کارکرد خانواده ایرانی از تناسب نداشتن روند تغییرات در حوزه‌های گوناگون مربوط به خانواده ناشی می‌شود. در این روند، خانواده‌های هسته‌ای که اعضای آن شامل والدین و فرزندان است، جایگزین خانواده‌های گسترده شده‌اند و این تغییرات با افزایش فردگرایی، تغییر در نقش‌های جنسیتی و مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی همراه بوده است.

خانواده از مفاهیمی است که به واسطه روند شتابان شهرنشینی و فرایندهای شهری شدن، ماهیت، ساختار و کارکردش با نوعی از تحول و تغییر روبه‌رو شده است. تغییر کارکرد خانواده از حالت یک واحد تولیدی و مصرفی در جوامع سنتی به یک واحد مصرفی مطلق، دیگر نیازی به استفاده از تعداد بسیار فرزندان و اعضای دیگر خانواده را نمی‌طلبد که در کار خانوادگی به طور دسته‌جمعی شرکت جویند (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۴). خانواده در جامعه امروز اغلب یک واحد مصرف‌کننده است و ساخت تولیدی، تربیتی و جامعه‌پذیری آن به نهادهای اجتماعی دیگر واگذار شده است. مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریه‌های درخور ارائه در حوزه خانواده عمدتاً در رویکردهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی با هدف حفظ بقا و دوام خانواده، در حوزه کیفیت زندگی شهری نهفته است (حاجیان مقدم، ۱۳۹۳: ۳۳). به‌طورکلی صورت‌های تاریخی زندگی خانواده در نظام تولید و نیازسنجی روزمره در قیاس با گذشته، تفاوت داشته است. خانواده در اوضاع امروز به عنوان یک واحد زیستی - اجتماعی با محوریت مفهوم منفعت عمومی (در تقابل با زیاده‌روی بخش خصوصی) در نظام سیاست‌گذاری شهری درخور بحث است.

اصطلاح «دوست‌دار خانواده» برای تعریف فرصت و خدمات اجتماع‌محور برای زنان،

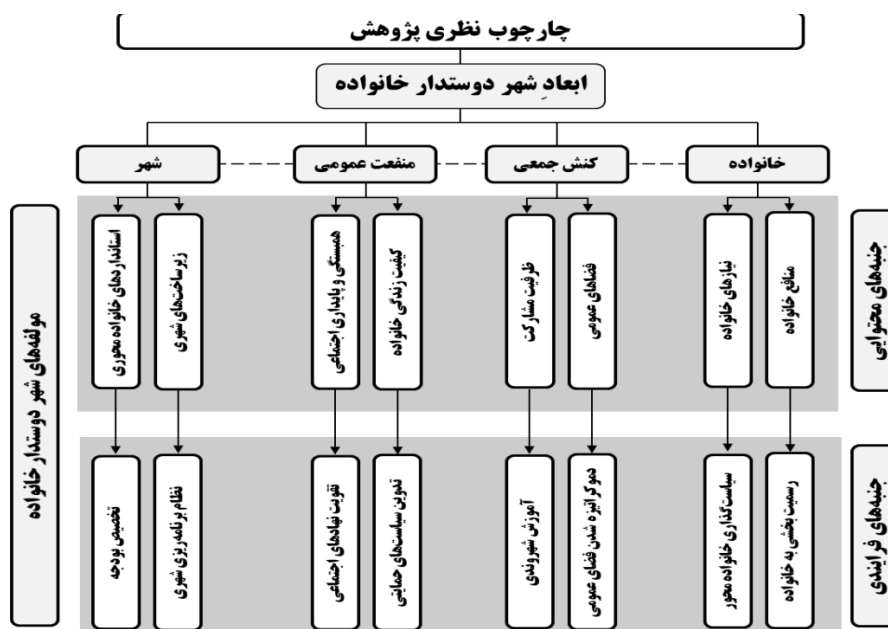
کودکان، سالمندان و گروه‌های خاص (مانند معلولان) استفاده می‌شود. درواقع تحقق مفهوم اجتماعات دوست‌دار خانواده از اصلی‌ترین نمودهای تحقق توسعه پایدار، حداقل در بعد اجتماعی آن است. شهرهایی که گروه‌های سنی مختلف را کنار هم پذیرا می‌شوند و زیرساخت‌های عمومی را با اولویت نیازهای مراقبتی کودکان، سالمندان، زنان و معلولان فراهم می‌کنند، از نظر امنیت و زیست‌پذیری، کیفیت بالاتری دارند. نظارت اجتماعی گسترده می‌تواند یکی از عوامل مهم اجتماعی شدن فضا و هم‌بستگی جامعه شهری باشد. هر اندازه سرمایه‌گذاری اجتماعی و نظارت اجتماعی در فضای شهری گسترده‌تر و قوی‌تر باشد، احساس امنیت در فضا بیشتر خواهد بود (حبیبی و صدیقی، ۱۳۹۵: ۱۴). مفهوم «شهر دوست‌دار خانواده» به عنوان یک الگو در توسعه شهری، بر نیازهای خانواده‌ها در سطوح گوناگون تأکید دارد و برنامه‌ریزی شهری مبتنی بر آن از شکوفایی خانواده‌ها حمایت می‌کند. درواقع این ایده به دنبال تأمین شرایطی است که زندگی خانوادگی راحت‌تر، سالم‌تر و پایدارتر شود. جدول شماره ۲ نیز به ارائه مفاهیم شهر دوست‌دار خانواده پرداخته است.

جدول ۲. مفاهیم کلیدی در حوزه شهر دوست‌دار خانواده

پژوهشگر	سال	محوریت	مفهوم	راهکار پیشنهادی
Mueser & Fox	۲۰۰۰م	اقتصادی	ایجاد زیرساخت‌های حمایتی با محوریت خانواده	تخصیص منابع مالی برای آموزش، تدوین استانداردها و ایجاد اتحادیه‌های حرفه‌ای مرتبط با فضای شهری دوست‌دار خانواده‌ها
Riggio	۲۰۰۲م	اجتماعی	حکمروایی محله با محوریت منافع خانواده‌ها	تدوین سیاست‌های محله‌محور با اولویت‌دهی به منافع خانواده‌ها و نیازهای کودکان در فرایندهای برنامه‌ریزی شهری
Elsley	۲۰۰۴م	اجتماعی	طراحی و بازآفرینی مشارکتی فضاهای عمومی	مشارکت کودکان و جوانان در فرایند طراحی شهری و توسعه فضاهای عمومی که به نیازهای خانوادگی پاسخ دهند
Gill	۲۰۰۸م	اجتماعی	پیش‌گامی کودکان در ارتقای کیفیت فضاهای عمومی محله	طراحی فضاهای عمومی که کودکان و والدین را به مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی ترغیب کند
Woolcock et al	۲۰۱۰م	کالبدی	توجه به زیرساخت‌های حمایتی مناسب برای خانواده‌ها	توجه به طراحی زیرساخت‌هایی که افزون بر فضای مسکونی، نیازهای اجتماعی و رفاهی خانواده‌ها را نیز تأمین کنند

Warner & Rukus	۲۰۱۳م	اقتصادی	اقدامات حمایتی برای خانواده‌ها	ایجاد فضاهای عمومی برای نیازهای خانواده‌ها، تأمین مسکن مقرون‌به‌صرفه، توسعه حمل‌ونقل عمومی و گسترش خدمات اجتماعی
Pospěch	۲۰۱۶م	کالبدی	دوگانگی قلمروی خصوصی و عمومی خانواده‌ها در شهر	ایجاد توازن میان فضای خصوصی خانواده و فضاهای عمومی شهری با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی و پایداری خانواده‌ها
Gur	۲۰۱۹م	اجتماعی	شبکه اجتماعی و حساس به امنیت در محله‌ها	تقویت شبکه‌های اجتماعی در محله‌ها، فراهم کردن زیرساخت‌های امنیتی و دسترسی مناسب به خدمات اجتماعی
Hashim et al	۲۰۲۳م	اجتماعی	سازمان اجتماعی محله دوست‌دار خانواده	تقویت سازمان‌های اجتماعی و همکاری با گروه‌های محلی برای بهبود کیفیت زندگی و حمایت از خانواده‌ها در محله‌ها

به‌طورکلی مفهوم «شهر دوست‌دار خانواده» به عنوان یک رهیافت توسعه شهری به نیازهای گوناگون خانواده‌ها در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری (ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) اشاره دارد و بر اهمیت ایجاد فضاهای عمومی مناسب و زیرساخت‌های حمایتی برای ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها تأکید دارد. راهکارهایی از قبیل لزوم تخصیص بودجه مناسب برای حمایت از توسعه فضاهای عمومی، تدوین سیاست‌های محله‌محور با اولویت منافع خانواده و کودکان و فراهم‌آوری زیرساخت‌هایی مانند مسکن مقرون‌به‌صرفه، حمل‌ونقل عمومی و فضاهای سبز در مرور متون و مبانی نظری مشهود هستند. افزون بر این برخی پژوهش‌ها به نقش مشارکت فعال خانواده‌ها در فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری اشاره دارند و معتقدند نظارت اجتماعی و ایجاد احساس امنیت در فضاهای شهری می‌تواند به تقویت ساختار محله‌های دوست‌دار خانواده کمک کند. در مجموع شهرهای دوست‌دار خانواده نیازمند یک رویکرد همه‌جانبه هستند که در آن، افزون بر توجه به ابعاد کالبدی و اقتصادی، به جنبه‌های اجتماعی نیز پرداخته شود. چنین رویکردی می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها به‌ویژه در محیط‌های شهری با چالش‌های خاص خود منجر شود و درنهایت باعث افزایش هم‌بستگی اجتماعی و پایداری شهری شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل پیش‌شرط‌های ارتقای خانواده در نظام سیاست‌گذاری شهری از مجموعه نظریه‌های مرتبط بهره‌برده تا ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این امر را در دو جنبه محتوایی و فرایندی به شرح شکل شماره ۳ معرفی کند.



شکل ۳. چارچوب نظری پژوهش

یکی از چالش‌های مهم در سیاست‌گذاری شهری، نادیده گرفتن نیازهای خانواده‌ها در طرح‌های شهری است. اگر سیاست‌گذاری شهری تنها بر مبنای توسعه اقتصادی یا ساخت‌وسازهای گسترده باشد، ممکن است نیازهای عاطفی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها نادیده گرفته شوند. این در حالی است که یک سیاست‌گذاری شهری همه‌جانبه باید نیازهای روان‌شناختی و اجتماعی خانواده‌ها را نیز در نظر بگیرد و راه‌حل‌هایی برای تقویت بنیه خانوادگی پیشنهاد دهد. در راستای ارتقای خانواده‌محوری به یک راهبرد خاص در نظام برنامه‌ریزی شهری، سه محور کلی مدنظر است:

- ایجاد سیاست‌های حمایتی ویژه برای خانواده‌ها: ازجمله کاهش هزینه‌های مسکن، تسهیلات حمل‌ونقل برای خانواده‌ها و تأمین امنیت اجتماعی برای همه اعضای خانواده؛
- توسعه فضاهای عمومی و محیط‌های خانوادگی: طراحی فضاهایی که تعاملات اجتماعی مثبت را تقویت کند و فضای امن و راحت برای کودکان، سالمندان و اعضای دیگر خانواده فراهم کند.

- آموزش و ترویج فرهنگ خانواده‌محوری در سیاست‌های شهری: این امر می‌تواند با آموزش مقامات محلی، سیاست‌گذاران و مردم در مورد اهمیت تأمین نیازهای خانواده‌ها در سیاست‌گذاری شهری تحقق یابد.

۳. روش‌شناسی

با عنایت به پویایی‌ها و تحولات مرتبط با مفهوم خانواده (از دیدگاه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فلسفی و دینی) در اوضاع امروزی و قرار گرفتن صورت مسئله آن در بستر شهری که خود پیچیدگی دوچندان دارد، لازم است از دستگاه فکری بهره گرفت تا ابعاد گوناگون این پیچیدگی‌ها و تمایزها در روند پژوهش، دستخوش فروکاستن مفاهیم و معنای راستین خود نشوند. بدین ترتیب پژوهش حاضر در پارادایم واقع‌گرایی انتقادی با بهره‌مندی از رویکرد کیفی و راهبرد اکتشافی به تحلیل و تفسیر پیش‌شرط‌های ارتقای جایگاه خانواده در نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری با تکیه بر روش تحلیل لایه‌ای علی^۱ می‌پردازد. تحلیل لایه‌ای علی (CLA) یک روش تحلیلی است که به بررسی عمیق و چندبعدی مسائل و پدیده‌ها می‌پردازد (عنایت‌الله، ۲۰۰۴م: ۱۶). این رویکرد به جای تمرکز صرف بر داده‌های سطحی و علیت خطی، به بررسی عمیق‌تر راهبردها، ساختارها و گفتمان‌های پشتیبان می‌پردازد که هدف آن درک پیچیدگی‌های اجتماعی، سیاسی و... در کنار شناسایی لایه‌های گوناگون واقعیت است (عنایت‌الله و میلوویه‌یچ، ۱۳۹۵: ۱۰). می‌توان از این روش با تفکیک پدیده‌ها به چهار سطح تحلیلی، بحث کرد (خسروی و میرعمادی، ۱۳۹۸: ۱۰۴):

- لایه عینی: ^۲ داده‌های سطحی و مشکلات آشکار؛
- لایه علی: ^۳ ساختارها و عوامل نهادی؛
- لایه گفتمانی: ^۴ چارچوب‌های معنایی و روایت‌های مسلط؛
- لایه استعاری/ اسطوره‌ای: ^۵ ریشه‌های ذهنی و ناخودآگاه مفاهیم که می‌کوشد به بازشناسی چندبعدی یک مسئله اجتماعی بپردازد.

داده‌های پژوهش غالباً از طریق مصاحبه‌های عمیق، گروه‌های کانونی و تحلیل متون جمع‌آوری شده‌اند. هدف این است که روایت‌ها و تجربه‌های انسانی به شکل جامع‌تر جمع‌آوری شوند و از این داده‌ها برای شناسایی لایه‌های مختلف مفهوم خانواده استفاده شود. شکل شماره ۴ به ارائه سلسله‌مراتب معرفت‌شناسی مدنظر پژوهش در گذر از فلسفه به واقعیت (مبتنی بر پارادایم، رویکرد، روش، تکنیک و مدل) پرداخته است.

1. Causal layered analysis.
2. Inayatullah.
3. Litany.
4. Systemic Causes.
5. Discourse.
6. Myth/ Metaphor.



جامعه آماری این پژوهش شامل سه گروه اصلی بوده است:

- در وهله نخست، ۲۲ نفر از نخبگان حوزه سیاست‌گذاری خانواده (نمایندگان مجلس، کارشناسان نهادهای سیاست‌گذار، مدیران شهری و استادان دانشگاه) در قالب مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته، مطالعه شدند. جدول شماره ۳ به معرفی این جامعه آماری پرداخته است.
- افزون بر مصاحبه‌های فردی، چهار جلسه گروه کانونی نیز با حضور جمعی از کارشناسان برگزار شد که مشارکت‌کنندگان آن نیز جزو جامعه آماری پژوهش به شمار می‌آیند. این گروه‌ها با هدف مباحثه گفتمانی و بررسی لایه‌های پژوهش در فرایند بحث تشکیل شدند و نتایج آنها در تحلیل نهایی لحاظ شد.
- همچنین تحلیل اسناد و متون سیاستی و راهبردی مرتبط با موضوع خانواده و سیاست‌گذاری شهری شامل قوانین، برنامه‌ها، مصوبات و گزارش‌های رسمی، با هدف استخراج داده‌هایی در سطح ساختاری، گفتمانی و استعاری مورد توجه بوده است.

جدول ۳. جامعه آماری مصاحبه‌شوندگان

مصاحبه با نخبگان	حوزه مربوط	مجلس شورای اسلامی	مجمع تشخیص مصلحت نظام	نهاد ریاست جمهوری	شورای اسلامی شهر تهران	شهرداری تهران	استادان دانشگاه
تعداد	۴	۲	۴	۴	۳	۵	

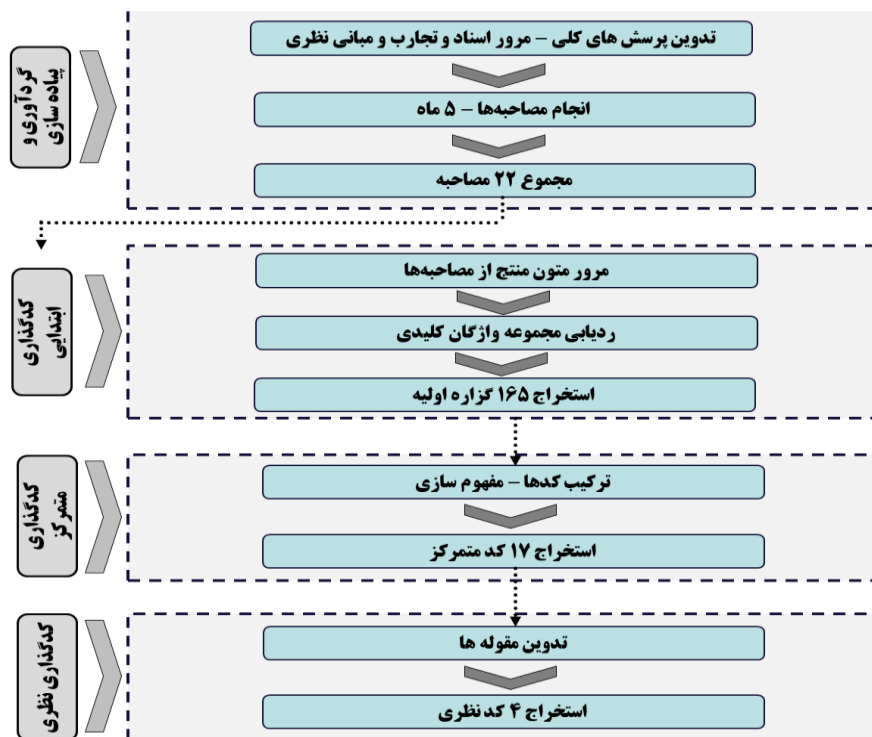
فرایند تحلیل داده‌ها مبتنی بر تحلیل مضمون^۱ در سه مرحله انجام گرفت:

^۱. Thematic Analysis.

- **کدگذاری اولیه:** در مرحله نخست، پرسش‌های کلی برای مصاحبه عمیق/ نیمه‌ساختاریافته مبتنی بر مرور اسناد و تجربه‌ها و مبانی نظری درباره مفهوم خانواده و ارتباط آن با مسائل شهری تدوین شد. در ادامه، مصاحبه‌های مدنظر در بازه زمانی ۵ ماه انجام شدند. مصاحبه‌ها بین حداقل ۴۰ دقیقه تا حداکثر ۲۰۰ دقیقه بودند. پس از تکمیل و پیاده‌سازی ۲۲ مصاحبه، روش تحلیل داده‌ها مبتنی بر تحلیل مضمون با تکیه بر کدگذاری صورت گرفت. در مرحله کدگذاری ابتدایی، متون برگرفته از هر مصاحبه، مرور شد و مجموعه‌ای از واژگان کلیدی، شناسایی شدند. به‌طورکلی ۱۶۵ گزاره اولیه استخراج شد.

- **کدگذاری متمرکز:** در مرحله کدگذاری متمرکز، گزاره‌های اولیه با هدف مفهوم‌سازی با هم ترکیب شد و درنهایت ۱۷ کد متمرکز پدیدار شد.

- **کدگذاری نظری:** در این مرحله، مفاهیم تلفیق و در چهار مقوله نظری، سازمان‌دهی شدند که با سطوح چهارگانه روش تحلیل لایه‌ای علی، هم‌راستا بودند. در مرحله کدگذاری نظری با هدف تدوین مقوله‌ها، ۴ مورد کد نظری برگرفته از خوشه‌های مراحل قبلی ارائه شدند. شکل شماره ۵ به ترسیم این روند پرداخته است.



شکل ۵. فرایند مصاحبه و کدگذاری

در ادامه، پرسش های گردآوری شده مبتنی بر طرح مسئله در ابتدای پژوهش در چارچوب ضرورت های امکانی رسیدن به مفهوم شهر دوست دار خانواده در چهار سطح «بنیان شهر و شهرانگی، منفعت عمومی، کنش جمعی و خانواده محوری» برای انجام مصاحبه های عمیق/ نیمه ساختاریافته مبتنی بر لایه های چهارگانه در روش تحلیل لایه ای علی هم خوان شده اند که به شرح جدول ۴ بوده است. با توجه به حدود و ژرفای مورد اشاره، هریک از پرسش ها در لایه های عینی (سطحی)، علل کلان (علی و نسبتاً عمیق)، گفتمانی (مبتنی بر کلان روایت ها) و استعاره (کاملاً ذهنی و طبق اسطوره مدنظر) دسته بندی شده اند.

جدول ۴. پرسش های گردآوری شده برای انجام مصاحبه

ردیف	پرسش	لایه های مدنظر
۱	صورت مسئله ارتباط بین دو مفهوم خانواده و شهر چیست؟	عینی/ علل کلان/ گفتمانی/ استعاره
۲	شهر امروز در چه ابعادی از لحاظ خانواده محوری با کاستی روبه روست؟	عینی/ علل کلان/ گفتمانی/ استعاره

۳	اسناد قانونی در زمینه خانواده‌محوری در چه وضعی قرار دارد؟	علل کلان
۴	چه کاستی‌های خانواده‌محوری در نظام سیاست‌گذاری شهری وجود دارد؟	عینی/ علل کلان
۵	رهیافت بنیادی در ترویج مفهوم خانواده در سیاست‌گذاری شهری چیست؟	گفتمانی
۶	چگونه می‌توان جایگاه خانواده در نظام سیاست‌گذاری شهری را ارتقا داد؟	عینی/ علل کلان/ گفتمانی/ استعاره
۷	کدامین نهادها و سازمان‌ها در تحقق‌بخشی به اهداف خانواده‌محوری نقش دارند؟	عینی/ علل کلان
۸	چه ضوابط و شیوه‌نامه‌هایی در حوزه خانواده و شهر، اثربخش خواهند بود؟	عینی
۹	آیا جنبه مغفول‌مانده‌ای از امکان ارتقای جایگاه خانواده درخور بحث است؟	عینی/ علل کلان/ گفتمانی/ استعاره
۱۰	در کدامین مقیاس عملیاتی، مفاهیم دوست‌دار خانواده اثربخش‌تر خواهد بود؟	عینی/ علل کلان/ گفتمانی/ استعاره

پس از تدقیق پرسش‌های مدنظر برای مصاحبه‌ها و تکمیل آن، فرایند کدگذاری در قالب سه مرحله ابتدایی، متمرکز و نظری مبتنی بر شناسایی لایه‌های چهارگانه پژوهش در تحلیل لایه‌ای علی به شرح جدول شماره ۵ انجام می‌شود.

جدول ۵. فرایند کدگذاری پژوهش

منبع	نمونه نقل قول (گزاره اولیه)	کد اولیه	کد توصیفی	مفاهیم اولیه	ردیابی لایه
P3	خانواده ایرانی رنگ و بویی متفاوت از سیاست‌های کلان حکومتی یافته که صورت تاریخی آن دگرگون شده و شباهت‌هایی با خانواده مدرن پیدا کرده است.	T11	تمایز خوانش سیاسی و اجتماعی خانواده	دگرپرسی صورت تاریخی خانواده	لایه دوم
P7	بزرگ‌ترین چالش برای شکوفایی خانواده در نظام سیاست‌گذاری شهری، ثبات معنایی خانواده در اسناد بالادستی است. متأسفانه اسناد بالادستی هنوز تحولات خانواده را در ساحت‌های گوناگون به رسمیت نشناخته‌اند.	T39	جدایی‌گزینی اسناد بالادستی از امر واقع خانواده	ثبات معنایی خانواده در اسناد بالادستی	لایه سوم
P16	خانواده در اسناد بالادستی، صورتی ذهنی و نسبتاً آرمانی یافته که با عینیت اجتماعی آن در تعارض است. این موضوع در ناکامی برنامه‌ریزی شهری نقش داشته است. شاخص عینی برای پاسخ‌گویی	T122	چالش تدوین شاخص‌ها	ناکامی برنامه‌ریزی شهری	لایه اول

		ی عینی خانواده		به نیاز خانواده در شهر نداریم.	
لایه دوم	نقش محوری حاکمیت در تدوین سیاست	غلبه حاکمیت در سیاست گذاری خانواده	T146	خانواده حوزه منازعه جدی میان دولت‌ها و کنشگران اجتماعی است؛ در حالی که کمتر تفاهمی میان این دو طیف وجود دارد. به منظور توانمندی حکومت‌ها، دامنه سیاست‌گذاری و اجرانیات برای آنان فراهم‌تر است.	P20
لایه چهارم	خانواده مکانی حیاتی برای منازعه زیستی	نقش افراد در تعیین شیوه‌های زیستی	T160	انتخاب عاملان اجتماعی از بسته‌های پیشنهادی دولت در خصوص خانواده در گستره‌ای از طرد تا پذیرش مشهود است؛ شیوه‌های غیررسمی روابط صمیمانه چون هم‌بالینی (طرد) تا تشکیل خانواده آرمانی موردنظر دولت (پذیرش).	P22

۴. بحث و تحلیل

این پژوهش پیش‌شرط‌های ارتقای مفهوم «شهر دوست‌دار خانواده» در چارچوب نظام سیاست‌گذاری شهری را مبتنی بر دستگاه فکری تحلیل لایه‌ای علی در چهار سطح گوناگون (کدهای نظری چهارگانه) بررسی کرده است. این سطوح به‌طور خاص شامل «عینی، علل کلان راهبردی، گفتمانی و استعاری» هستند که هر یک به معنای خاص خود در سیاست‌گذاری شهری و توسعه فضاهای شهری مؤثرند. در ادامه، بحث و تحلیل پژوهش بر اساس این سطوح ارائه می‌شود.

- **سطح عینی / لیتانی:** در این سطح، خانواده‌ها واحدهای جمعیتی در فضای شهری شناخته می‌شوند. این سطح به ویژگی‌های ملموس و غالباً کمی و آماری شده از مفهوم خانوارها در شهرها اشاره دارد که در قالب سرانه‌های مدنظر در ارتقای کیفیت فضاهای عمومی، زیرساخت‌ها و دسترسی‌ها مربوط می‌شود. در سیاست‌گذاری شهری، توجه به فضاهای مسکونی مناسب، دسترسی به خدمات عمومی، فضاهای تفریحی و آموزشی برای کودکان و خانواده‌ها از جمله مسائلی است که در این سطح، امکان تأکید دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد در ضوابط ساخت‌وساز شهری، توجه به نیازهای کالبدی و عینی خانوارها هنوز به اندازه کافی مطرح نشده و طراحی فضاهای عمومی و مسکونی به‌طور کامل با نیازهای خانوارها هم‌سو نیست. اگرچه در برخی احکام و الزام‌های بالادستی به مسائل

صربح خانواده مانند دغدغه معیشتی، انسجام خانواده، افزایش سن ازدواج، نحوه تعامل زوجین با یکدیگر و... پرداخته شده؛ اما روح حاکم بر این اسناد در ابعاد عینی از زیست پذیری خانوار در فضای شهری بی‌بهره بوده است. برای نمونه در این سطح هنوز سازوکار مشخصی برای ترویج فضاهای شهری بین‌نسلی به مثابه حداقل اقدام در راستای مقابله با روندهای گسترش فضاهای تک‌نسلی در شهرهای معاصر صورت نگرفته است.

- **سطح علل زمینه‌ای، اجتماعی و فرهنگی:** در سطح زمینه‌ای، سیاست‌های کلان به‌طور عمده بر دو واژه «خانه و خانوار» به عنوان نهاد اجتماعی تمرکز دارند. سیاست‌هایی مانند کاهش هزینه‌های مسکن، تأمین مسکن برای خانوارهای کم‌درآمد، توسعه حمل‌ونقل عمومی مناسب برای خانواده‌ها و ایجاد فضاهایی که به نیازهای خانوارها پاسخ دهد، از مهم‌ترین موضوعات این سطح هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد هرچند در اسناد بالادستی، توجه به این سیاست‌ها وجود دارد؛ اما در عمل، این سیاست‌ها به‌طور خاص در سطح محلی محقق نشده‌اند. مغایرت تصویر موجود در سیاست‌گذاری و تجربه زیسته افراد از خانواده و زندگی خانوادگی اغلب از تصور متفاوت سیاست‌گذاران و کنشگران اجتماعی ناشی می‌شود. نمونه تحقق نیافتن همراهی حکومت و کنشگران در جامعه ایرانی اصرار و تلاش سیاست‌گذاران به منظور حفظ نهاد خانواده و کنترل روند صعودی جدایی؛ سیاست‌گذاری برای کاهش سن ازدواج و افزایش باروری؛ تلاش در افزایش دوام خانواده؛ سیاست‌گذاری به منظور حفظ قداست، اهمیت اخلاقی و مشروع بنیان خانواده و رویه معکوس کنشگران در ایجاد صورت‌های بدیل آنچه با مسامحه، خانواده خوانده می‌شود. این موارد بیانگر آن است که اسناد در چشم‌انداز توصیفی کارکردی از خانواده با کنشگران اجتماعی گرفتار عدم توافق هستند. بدیهی است به منظور متوقف کردن این فرایند و حفاظت از خانواده، بازنگری عمیق و جدی در نحوه نگرش سیاست‌گذاران به خانواده در پی انجام مطالعات و پژوهش‌های واقع‌نگرانه، امری ضروری و چشم‌نپوشیدنی است.

- **سطح گفتمانی:** در سطح گفتمانی، مفهوم خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در گفتمان‌های شهری و اجتماعی مطرح می‌شود. در این سطح، خانواده نه تنها به عنوان یک واحد زیستی، بلکه به عنوان یک نهاد مسلط با غلبه زنانه و غیبت مردانه در نظر گرفته می‌شود که تأثیرات آن به‌طور مستقیم بر ارتباطات اجتماعی، تاب‌آوری

اجتماعی و هم‌بستگی در محله‌ها اثرگذار است. گفتمان‌های مطرح در این سطح، مانند خانواده‌محوری و عدالت اجتماعی برای خانواده‌ها بر تأکید بر نیازهای اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها در برنامه‌ریزی شهری و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی برای آنها تأکید دارند. پژوهش نشان می‌دهد هرچند این مفاهیم در اسناد قانونی و گفتمانی به‌طور کامل مطرح شده‌اند؛ اما هنوز به اندازه کافی بین جامعه و گفتمان‌ها تفاهم وجود ندارد.

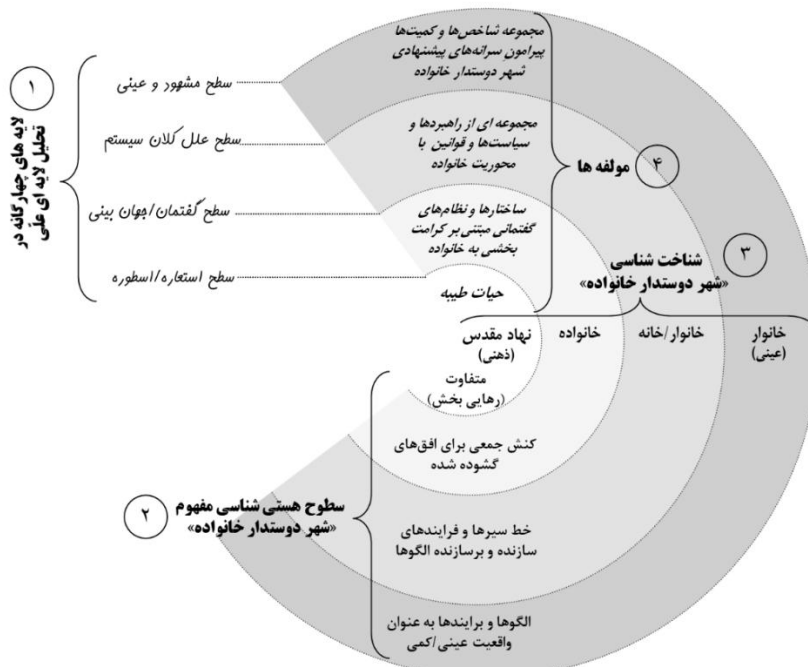
- **سطح استعاری:** تقدس خانواده ازجمله مفاهیم پرتکراری است که در اسناد بالادستی به چشم می‌خورد؛ برای نمونه خانواده به عنوان محبوب‌ترین بنای اسلام مدنظر است. در سطح استعاری، خانواده به عنوان یک نهاد مقدس و نماد هم‌بستگی اجتماعی مطرح می‌شود. این سطح بیشتر به معانی فرهنگی، دینی و اخلاقی خانواده در فضای شهری اشاره دارد. در این راستا، خانواده یک نماد از هویت اجتماعی، فرهنگی و معنوی شناخته می‌شود که اساس و بنیان روابط اجتماعی در شهرها را شکل می‌دهد. به خانواده تراز می‌توان در سه زیرمفهوم «خانواده مقدس، خانواده آرمانی و خانواده جامعه‌محور» اشاره کرد. این سطح از پژوهش، خانواده را نهادی طبیعی، بی‌زمان و پرکارکرد می‌داند که صورت تاریخی آن باید حفظ شود. چنین نگرشی به خانواده سبب ایجاد ثبات معنایی خانواده به‌رغم تمامی تحولات ایجادشده در این نهاد و اعضای آن، رویه‌ها و فرایندهای کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شده است. درحالی‌که مطالعات انجام‌گرفته بیانگر تحولات عینی (ساختاری: اقتصاد) و ذهنی (فرهنگ و اجتماع) است. این امر سبب ایجاد دورویه درباره خانواده شده است: رویه سیاست‌گذاران حکومتی در قبال خانواده و رویه اعضای جامعه در قبال خانواده. این گونه به نظر می‌رسد که سیاست حکومت به سمتی می‌رود و تصمیم‌سازی اعضای جامعه در قبال مسائل خانواده به سمتی دیگر سوق پیدا می‌کند.

برای راه یافتن رویکردهای دینی و قدسی مرتبط با خانواده در سطوح استعاری و گفتمانی به سطوح راهبردی و عملیاتی و عینی‌تر، لازم است مفاهیم و اصولی را که به شکل معنایی به خانواده در فضای شهری مرتبط می‌شوند، به صورت ملموس در سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و عملیاتی برای ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها گنجانند. نیاز به طراحی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که از یک سو به اصول دینی، اخلاقی و فرهنگی توجه داشته باشند و از سوی دیگر به مسائل روزمره و عملی زندگی خانوادگی پاسخ دهند. این امر می‌تواند از طریق تقویت رهیافت‌های سیاست‌گذاری خانواده‌محور و طراحی محیط‌های حمایتی در فضاهای شهری تحقق یابد.

سیاست‌ها به گونه‌ای طراحی شوند که خانواده‌ها نهادهای مهم اجتماعی و دینی در نظر گرفته شوند و نیازهای آنان در توسعه فضاهای شهری و خدمات عمومی لحاظ شود.

خانواده‌ها به عنوان نهادهای اجتماعی و بنیادی، تحت تأثیر پویایی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. ورود فرهنگ‌های گوناگون، رسانه‌ها و فناوری‌های جدید به زندگی خانواده‌ها، باعث تغییر در روابط و هنجارهای اجتماعی آنها شده است. خانواده نسبت به گذشته در حال خرد شدن و کوچک‌تر شدن است. درواقع فرایندهای شهری شدن موجب نوعی دگردیسی در ساختار و کارکرد خانواده شده است. این تغییرات بر تقسیم نقش‌ها و وظایف درون خانواده تأثیر می‌گذارد. ادامه این روند در زندگی روزمره به تدریج ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خانواده را تضعیف می‌کند. فضاهای شهری نیز با همین روند، نوعی یکسان‌سازی و تک‌نسلی‌سازی را تجربه می‌کنند. خانواده‌ها در شهرهای معاصر با مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌ها روبه‌رو هستند. این تحولات به توجه خاص در برنامه‌ریزی‌های شهری نیاز دارد تا فضاهایی برای رشد و بالندگی خانواده‌ها فراهم شود. سیاست‌های شهری و برنامه‌ریزی‌های شهری می‌توانند نقش زیادی در شکل‌دهی به فرهنگ خانواده‌ها داشته باشند. طراحی فضاهای شهری، ایجاد امکانات رفاهی برای خانواده‌ها و عرضه خدمات حمایتی به‌ویژه برای خانواده‌های کم‌درآمد می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روابط خانواده‌ها در شهرهای معاصر داشته باشد.

به‌طورکلی در سطوح گفتمانی و استعاری به مفهوم «خانواده» در اسناد بالادستی نظام سیاست‌گذاری شهری با تأکید بر ثبات معنایی خانواده به اندازه کافی توجه شده است. بااین حال در سطوح عینی و راهبردی، این توجه به اندازه کافی به نیازهای خانواده‌ها و خانوارها در ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی پاسخ نداده است. بر اساس این یافته‌ها، برای شکوفایی مفهوم «شهر دوست‌دار خانواده»، پیشنهاد می‌شود خانواده‌محوری از یک مفهوم انتزاعی در اسناد بالادستی به یک راهبرد خاص و عملیاتی در سیاست‌گذاری شهری تبدیل شود که نیازهای گوناگون خانواده‌ها را در سطوح کالبدی، اجتماعی و فرهنگی در نظر بگیرد. شکل شماره ۶ به ارائه سطوح چهارگانه شهر دوست‌دار خانواده در دستگاه فکری تحلیل لایه‌ای علی پرداخته است.



شکل ۶. ارائه سطوح چهارگانه شهر دوست‌دار خانواده در تحلیل لایه‌ای علی

نتیجه‌گیری

مفاهیم مربوط به «خانواده» حداقل در دو سطح گفتمانی و استعاره‌ی مبتنی بر روش تحلیل لایه‌ای علی (اسناد بالادستی و گفتمان‌های پشتیبان) با رویکردهای فرهنگی، فلسفی، دینی و قدسی جایگاه ثابت و ارزنده‌ای داشته‌اند؛ ولی در عمل و در سطوح عینی و علل کلان راهبردی، این مفاهیم در سیاست‌گذاری‌های شهری، امکان اجرا نداشته‌اند. اگرچه در اسناد قانونی و گفتمانی به خانواده به عنوان نهاد اساسی توجه شده؛ اما در برنامه‌های اجرایی شهری، اغلب به این موضوع، کم‌لطفی شده یا به شکلی غیرمستقیم کنار گذاشته شده است. علل کم‌توجهی به این موضوع از دودیدگاه محتوایی و رویه‌ای، درخور بحث است.

از دیدگاه محتوایی، با وجود تأکید فراوان بر خانواده در سطوح استعاره‌ی و گفتمانی پژوهش، مفهوم خانواده در اسناد بالادستی غالباً متأثر از رویکردهای دینی، فرهنگی و اجتماعی است که خانواده را نوعی نهاد طبیعی، بی‌زمان و پرکارکرد می‌دانند و صورت تاریخی آن باید حفظ شود. درحالی‌که تحولات عینی (غالباً اقتصادی) و ذهنی (فرهنگ و اجتماع) خانواده در چند دهه اخیر مشهود بوده، رویه سیاست‌گذاران در سطوح گفتمانی و استعاره‌ی درباره مسائل خانواده از ساحت

واقع‌گرایی دور شده است. این موضوع از لحاظ محتوایی تا حدودی موجب بی‌توجهی به مفهوم خانواده در سطوح سیاستی و عملیاتی شده است. ادامه روند حاضر موجب بروز تناقض‌های جدی در نحوه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری برای رفع نیازهای خانواده خواهد شد؛ بنابراین ضرورت دارد از لحاظ معنایی به علل ثبات و تکراری بودن مفهوم خانواده در اسناد بالادستی پرداخته شود.

از لحاظ رویه‌ای در سطح عینی، به‌رغم تأکید بر خانواده در قانون اساسی، سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب، بیانیه گام دوم انقلاب، سند چشم‌انداز، قوانین پنج‌ساله برنامه‌های توسعه و قوانین مرتبط با خانواده در دو دهه اخیر، مفهوم خانواده‌محوری در اسناد مرتبط با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری هنوز جایگاهی مشخص و رسمی نیافته است. بدین ترتیب نوعی ناهماهنگی یا رهاشدگی میان سیاست‌های کلان و روند اجرای آنها در مقیاس شهری مشهود است. به نظر می‌رسد مفهوم «خانواده» همچنان در بسیاری از سیاست‌های شهری، یک نهاد سنتی و بسته در نظر گرفته می‌شود که به جنبه‌های کالبدی (مسکن) و اقتصادی (یارانه) آن بیش از ابعاد اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی توجه می‌شود. نبود سند سیاستی مشخص در حوزه خانواده و شهر سبب شده بسیاری از نیازهای واقعی خانواده‌ها به‌ویژه در ابعاد فضایی (برای نمونه برنامه‌ریزی شهری از خانه و خانواده) نادیده گرفته شوند. شکل شماره ۷ به ارائه کاستی‌های خانواده در نظام سیاست‌گذاری شهر تهران (از منظر محتوایی و رویه‌ای) پرداخته است.

شکل ۷. امکان‌سنجی ارتقای جایگاه خانواده در نظام سیاست‌گذاری شهر تهران

		جنبه‌های محتوایی			
		سطح راهبردی			
		سطح عینی			
↑ رهاسده ↓	↑ چینه‌های رویه‌ای ↓	سند سیاستی شهر دوست‌دار خانواده		سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۲)	سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) و خانواده (۱۳۹۵) ابلاغی رهبر معظم انقلاب
		طرح شهر دوست‌دار خانواده			
↑ رهاسده ↓	↑ چینه‌های رویه‌ای ↓	قانون تحکیم خانواده (۱۳۸۴)		بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷)	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)
		قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت (۱۴۰۰)			
↑ رهاسده ↓	↑ چینه‌های رویه‌ای ↓	برنامه چهارم تحول و پیشرفت شهر تهران بر مبنای تحقق عدالت شهری (۱۴۰۰)		قانون حمایت خانواده (۱۳۹۲)	
		طرح جامع شهر تهران (۱۳۸۶)			
		قانون پنج‌ساله برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۴۰۳)			

بدین ترتیب صورت‌بندی عمومی از موضوع خانواده در ارتباط با سیاست‌گذاری اجتماعی و سیاست‌گذاری شهری با اندکی تردید نگریسته می‌شود. برای فائق آمدن بر این چالش می‌توان دو دسته کلی از سیاست‌گذاری‌های صریح^۱ و ضمنی^۲ را در حوزه خانواده از هم تفکیک کرد. بخش عمده‌ای از سیاست‌گذاری‌های خانواده در سطح کلان و در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی و رفاهی از سوی رهبر معظم انقلاب، دولت و مجلس غالباً به طور صریح صورت می‌گیرد که خارج از حدود اختیار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در مقیاس شهری است. در این زمینه، سیاست‌های کلان اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... در حوزه خانواده می‌توانند بر اساس رویکردهای مدنظر و اوضاع اجتماعی برای مراتبی از برنامه‌ریزی‌ها و تعیین اهداف خانواده‌محوری، الهام‌بخش شوند. آنچه در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری برای ارتقای وضع زندگی خانواده در شهر، درخور بحث بوده، غالباً می‌توان در حوزه سیاست‌های ضمنی عرضه کرد. این دسته از سیاست‌گذاری‌ها می‌توانند خارج از حوزه‌های رفاهی، بهزیستی و تأمین اجتماعی و غالباً در حوزه مدیریت شهری و با هدف ارتقای کیفیت زندگی خانواده از خانه تا محله و شهر بحث شوند. در ایران، ابهام درباره موضوع خانواده در حوزه سیاست‌های ضمنی، خیلی جدی است. طرح‌هایی با هدف ارتقای کیفیت زندگی خانواده تهیه می‌شوند که حتی اشاره‌ای صریح به مفهوم خانواده ندارند. این امر موجب تشدید کاستی در حوزه سیاست‌گذاری خانواده شده است. می‌توان بر تولید واژه یا واژگان مبتنی بر پاسخ‌گویی به نیازهای خانواده به عنوان واحد مصرف‌کننده فضاهای شهری تأکید کرد؛ زیرا به محض تولید واژه مربوطه، سازمان‌دهی فضایی برای آن گریزناپذیر خواهد بود. در سطح عینی از اسناد برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهر تهران می‌توان از ضرورت توجه به جنبه‌های فراموش‌شده‌ای از طرح شهر دوست‌دار خانواده در ابعاد سند سیاستی و عملیاتی بحث کرد. در اوضاع کنونی، کامل شدن اسناد سیاست‌گذاری شهری از دو جنبه محتوایی و رویه‌ای می‌تواند کاستی موجود را پر کند. درواقع شایسته است «خانواده‌محوری» از یک وضع انتزاعی و شعارگونه به یک راهبرد عملیاتی و مؤثر تبدیل شود. این تحول می‌تواند با تمرکز بر تقویت زیرساخت‌های خانوادگی در ابعاد گوناگون از جمله مسکن، فضاهای عمومی، حمل‌ونقل، آموزش و خدمات اجتماعی آغاز شود. همچنین تحقق «شهر دوست‌دار خانواده» نه تنها اراده نهادهای دولتی را می‌طلبد؛ بلکه به تغییر نگاه و فرهنگ اجتماعی نیز نیاز دارد. این یک فرایند تدریجی است

1. Explicit.
2. Implicit.

که به یک توافق اجتماعی گسترده برای بازتعریف نقش خانواده در شهر و مشارکت فعال آن در توسعه شهری نیازمند است. اگر این نگاه و راهبرد در سطوح گوناگون سیاست‌گذاری شهری نهادینه نشود، خانواده‌ها همچنان به عنوان یک واحد تابع و نه به عنوان یک نهاد فعال و محوری در سیاست‌گذاری شهری، باقی خواهند ماند؛ به طوری که ادامه این روند باعث کم‌رنگ شدن نیازهای اجتماعی، فرهنگی و کالبدی خانواده در سپهر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری می‌شود. بنابراین راهبرد سیاست‌گذاری خانواده‌محور در همه حوزه‌های اقدام می‌تواند برای جبران کاستی‌های کنونی در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دنبال شود.

مقالات

نقش تعدیل‌کننده بینداری و تاب‌آوری
در رابطه تله‌های زندگی و طلاق عاطفی

منابع و مآخذ

۱. البرزی، پریا؛ سلطانزاده، حسین و حسینی، سیدبهشید (۱۴۰۲). تبیین مؤلفه‌های مؤثر در تجربه خرید خانوادگی و معماری مجتمع‌های تجاری دوست‌دار خانواده. نامه انسان‌شناسی، ۲۰ (۳۶)، ۱۳-۴۱.
۲. براتی فتح‌آبادی، سمیرا (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل شاخص‌های رضایت‌مندی شهروندان در شهر دوست‌دار خانواده (مطالعه موردی: شهر سیرجان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی اکبر کیانی. زابل: دانشگاه زابل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۳. تاج‌بخش، کیان (۱۳۹۳). آرمان شهر: فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر. ترجمه افشین خاک‌باز. تهران: نشر نی.
۴. چیت‌ساز، محمدجواد (۱۴۰۲). خانواده ایرانی و تحولات فرهنگی - اجتماعی: تحلیل نسلی. مسائل اجتماعی ایران، ۱۴ (۱)، ۸۹-۱۱۲.
۵. حاجیان مقدم، فاطمه (۱۳۹۳). فراتحلیل مطالعات خانواده در زمینه عوامل مقوم و عوامل فرساینده خانواده ایرانی. پژوهش‌نامه زنان، ۵ (۹)، ۱-۳۹.
۶. حبیبی، سیدمحسن و صدیقی، سمیه (۱۳۹۵). نقش فضای عمومی شهری در افزایش ایمنی اجتماع (مطالعه موردی: محله ساغری‌سازان و گلزار رشت). مجله هویت شهر، ۱۰ (۳)، ۵-۱۶.
۷. خسروی، میثم و میرعمادی، طاهره (۱۳۹۸). لایه‌های آینده و مسئله صورت‌بندی کنش‌های انسانی: بررسی مبانی معرفتی روش تحلیل لایه‌ای علی. مجله آینده‌پژوهی ایران، ۴ (۱)، ۱۰۱-۱۱۶.
۸. رفیعیان، مجتبی و الوندی‌پور، نینا (۱۳۹۵). مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جست‌وجوی مدلی مفهومی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶ (۲)، ۲۵-۴۷.
۹. صرافنی، مظفر (۱۳۹۷). رهیافت بازآفرینی شهری رادیکال برای چیرگی بر ناپایداری توسعه ایران. هفت شهر، ۴ (۶۴)، ۵۷-۶۱.
۱۰. عسگرنژاد نوری، باقر؛ نعمتی، ولی؛ فانی، مریم و صائب‌نیا، سمیه (۱۴۰۱). یادگیری حاصل از گردشگری کودکان در توسعه پایدار گردشگری: نقش تعدیلگر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانواده. گردشگری و توسعه، ۱۱ (۴)، ۱-۱۸.
۱۱. علی‌احمدی، امید و یاقوتی، ابراهیم (۱۳۹۸). زنان، سبک‌های فراغتی و خانواده در شهر تهران. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲ (۴۶)، ۲۵۵-۲۷۸.

۱۲. عنایت‌الله، سهیل و میلویه‌یچ، ایوانا (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها. ترجمه‌ی مریم یوسفیان و مهدی مبصری. تهران: انتشارات شکیب.
۱۳. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱). خانواده و زندگی شهری، تحول خانواده‌ها در بستر تجدد، شهرنشینی و رسانه‌ای شدن. تهران: انتشارات تیسرا.
۱۴. فکوهی، ناصر (۱۳۹۹). هویت و بی‌هویتی شهری. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۱۵. فنی، زهره (۱۳۹۸). ارزیابی شهر پایدار از منظر شهر دوست‌دار خانواده و بانوان باردار (مطالعه‌ی موردی: منطقه ۱۹ شهر تهران). مجله شهر پایدار، ۲ (۱)، ۲۹-۴۴.
۱۶. قانع‌ی راد، محمدمامین (۱۳۹۶). زوال پدرسالاری فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی. تهران: نقد فرهنگ.
۱۷. مشایخی، محمد؛ مجید قدمی، مجید؛ مهدوی‌نژاد، محمدجواد و بمانیان محمدرضا (۱۳۸۹). طراحی محیط‌های معماری دوست‌دار خانواده. خانواده و پژوهش، ۱۱ (۷)، ۱۰۳-۱۲۴.
۱۸. معروفی، سیامند و بایزیدی، قادر (۱۳۹۹). تبیین و تحلیل پایداری فضاهای جمعی و سنجش عوامل مؤثر بر آن (نمونه‌ی موردی: پارک خانواده شهر مهاباد). آمایش محیط، ۱۳ (۴)، ۲۰۳-۲۳۰.
۱۹. مولایی، اصغر؛ محمدزاده، مریم و مدقالچی، لیلا (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهرسازی خانواده‌مبنا در محله‌های اسلامی - ایرانی. اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری، ۴ (۴)، ۹۰-۱۱۵.
20. Bales, R. B & Parsons, T. (1955). *Family, Socialization, and Interaction Process*. London: Routledge.
21. Beck, U. & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences*. London: Sage.
22. Bradley, K. R. (1987). *Slaves and Masters in the Roman Empire*. Carolina: University of North Carolina Press.
23. Brenner, N. (2019). *New Urban Spaces: Urban Theory and the Scale Question*. New York: Oxford University Press.
24. Elsley, S. (2004). Children's Experience of Public Spac. *Children & Society*, 18 (2), 155-164.
25. Fathi Farzaneh, A. & Masoumzadeh, S. (2023). Typology of Urban Theories in Expressing the Concept of Urbanization. *GeoJournal*, 88, 1905-1919.

26. Giddens, A. (2006). *Sociology*. Cambridge: Polity Press.
27. Gill, T. (2008). Space-Oriented Children's Policy: Creating Child-Friendly Communities to Improve Children's Well-Being. *Children & Society*, 22 (2), 136-142.
28. Goody, J. (1985). *The Development of the Family and Marriage in Europe*. Cambridge: Cambridge University Press.
29. Gür, M. (2019). Inversion of Urban Transformation Approach in Turkey into Family-Friendly Transformation. *Journal of Housing and the Built Environment*, 34 (3), 735-767.
30. Hashim, S. F., Nasrudin, N., Raja Othman, R. N., Abdullah, Y. A. & Mohd Salleh, M. Z. (2023). Key Factors Influencing the Family-Friendly Neighbourhood Through Pls-Sem Model Assessment. Case Study: ss4, Petaling Jaya, Selangor, Malaysia. *Planning Malaysia*, 21 (5), 78-95.
31. Inayatullah, S. (2004) The Causal Layered Analysis (CLA) Reader, Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology. Tapei: Tamkang University Press.
32. Mueser, K. T. & Fox, L. (2000). Family-Friendly Services: A Modest Proposal. *Psychiatric services*, 51 (11), 1452-1484.
33. Pospěch, P. (2017). Urban or Family-Friendly? The Presentation of Czech Shopping Centers as Family-Friendly Spaces. *Space and Culture*, 20 (1), 68-80.
34. Riggio, E. (2002). Child Friendly Cities: Good Governance in the Best Interests of the Child. *Environment & Urbanization*, 14 (2), 45-58.
35. Smart, C. (2007). *Personal Life: New Directions in Sociological Thinking*. Cambridge: Polity Press.
36. Stone, L. (1977). *The Family, Sex and Marriage in England 1500-1800*. New York: Harper & Row.
37. UN Universal Declaration of Human Rights (1948). Article 7.
38. Warner, M. E. & Rukus, J. (2013). Planners Role in Creating Family Friendly Communities: Action, Participation and Resistance. *Journal of Urban Affairs*, 35 (5), 627-644.
39. Woolcock, G., Gleeson, B. & Randolph, B. (2010). Urban Research and Child-Friendly Cities: a New Australian Outline. *Children's Geographies*, 8 (2), 177-192.